

بررسی وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش ایران

مریم جمالی*

علیرضا صادق زاده قمصری**

سیدرضا صالحی امیری***

محسن فرمهینی فراهانی****

چکیده

در جهان کنونی، محتوا و صورت زندگی در ابعاد مختلف، شکلی فرهنگی به خود گرفته و از همین رو، اهمیت مدیریت فرهنگی بیش از پیش نمایان شده است. در این مقاله، به منظور تبیین وضعیت موجود، پس از پژوهش و مطالعه اسناد، کتاب‌ها، و مصاحبه با استادان و متخصصان مدیریت فرهنگی و آموزش و پرورش، ۳۳ مورد شناسایی شده و نتیجه در قالب پرسش‌نامه (پس از تأیید اعتبار و روایی و همچنین، تأیید استادان فن) بین ۳۰ نفر از مدیران حوزه‌های مختلف ستادی، اجرایی، و میانی آموزش و پرورش توزیع شده است. سپس، داده‌های به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار Minitab16 و آزمون T مستقل، تحلیل، و در نهایت، نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها، و تهدیدها براساس دیدگاه مخاطبان تعیین شده‌اند. پس از بررسی نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌ها، «تأثیرپذیری برنامه‌های درسی و آموزشی از جریان‌های سیاسی» به عنوان نقطه ضعف و «وجود پیوست فرهنگی و مهندسی فرهنگی در تهیه برنامه‌های آموزشی و درسی»، «سند برنامه درسی ملی»، «سند ملی آموزش و پرورش (سند تحول بنیادین)»، و «فراوان بودن چهره‌های فرهنگی در میان نخبگان سیاسی» به عنوان نقاط قوت، در تعیین وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی در آموزش و پرورش، مواردی هستند که توسط مخاطبان تأیید نشده‌اند.

* دانشجوی دکتری مدیریت فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

Maryjamali48@yahoo.com

** استادیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Alireza_sadeqzadeh@yahoo.com

Dr.salehiamiri@gmail.com

*** دانشیار واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

Farmahinifar@yahoo.com

**** دانشیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۱۵

فصلنامه راهبرد اجتماعی- فرهنگی، سال هشتم، شماره سی و سوم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۵۱-۳۱

همچنین، مخاطبان، موارد «برنامه‌ریزی برای جلوگیری از فرار مغزها» و «قابلیت‌های بازتولید هویت فرهنگی، تعصب خانوادگی در کشور» را از بین فرصت‌ها و موارد «قدرت هدایت افکار عمومی از طریق رسانه‌ها و فرهنگ‌سازی در شرایط بحرانی» و «ناتوانی هنجارها و ابزارهای فرهنگی در مقابله با هجوم فرهنگ بیگانه» را از بین تهدیدها، تأیید نکرده‌اند. موارد دیگر مطرح‌شده در پرسش‌نامه، مورد تأیید پاسخ‌دهندگان قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: وضعیت موجود، سواد فرهنگی، ارتقا، مدیریت، مدیریت فرهنگی

مقدمه

امروزه آموزش و پرورش نقش بی‌بدیلی را در آینده جامعه ایفا می‌کند. بنیان همبستگی اجتماعی، پیشرفت اقتصادی، توسعه پایدار، تعالی انسانیت، صلح و دوستی، همگی به آموخته‌ها و آموزه‌های آموزش و پرورش وابسته است، لیکن تنها آموخته‌های دوران مدرسه و عدم همراهی مؤلفه‌های ارزشی فرهنگ کشور، برای رسیدن به چنین اهداف متعالی‌ای، نارسا جلوه می‌کند. در نتیجه، یک بازانديشي بنيادين در ساختار، روش‌ها، محتوا، شیوه‌های سازماندهی، و به‌ویژه تمرکز بر راهبردهای یادگیری در حوزه‌های فرهنگی ارزش‌های جامعه، که سبب بهسازی آموزش و پرورش شود، ضرورت دارد؛ به‌گونه‌ای که فرد در یک فرایند دائمی، آگاهانه، و مسئولانه، مشغول یادگیری ارزش‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی شود و تعهد خود را به میهن و سرزمینش به‌صورت مادام‌العمر تضمین کند (صباغ اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۵).

اما واقعیت این است که ایران، کشوری چندفرهنگی است و تنوع قومی و زبانی، یکی از ویژگی‌های شاخص آن است؛ در نتیجه، الگوی ملت در این کشور، ترکیبی و نامتوازن است. به این ترتیب که بخش بزرگی از ملت — که در یک یا چند ویژگی و خصیصه ترکیبی مشترک اکثریت دارند — هیئت کلی ملت ایران را تشکیل می‌دهند و بخش کوچک‌تری از ملت نیز، به دلیل داشتن یک یا چند ویژگی، با بخش اکثریت ملت تجانس کامل ندارند و در جایگاه اقلیت، اجزا و پاره‌های کوچک‌تر ملت ایران به‌شمار می‌آیند.

در صورت عدم حضور مدیریت سواد فرهنگی، شاهد درگیری‌های قومی و

ملیتی افراد جامعه و عدم همزیستی مسالمت‌آمیز آن‌ها خواهیم بود که در طول تاریخ ایران، بارها شاهد بروز آن بوده‌ایم؛ بنابراین، با بررسی وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی دانش‌آموزان، شیوه حرکت به سوی وضعیت مطلوب را می‌توان تعیین کرد.

در یک جامعه چندفرهنگی، سواد فرهنگی به معنای تسامح، تساهل، و مدارای بیشتر، درک و گفت‌وگوی آزادانه بین هویت‌های اجتماعی، قومی، و مذهبی مختلف، احترام به عقاید دیگران، و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی است. افزون‌براین، اگر بپذیریم که جامعه ایرانی، همانند بسیاری از جوامع دیگر، به سوی تبدیل به یک جامعه مبتنی بر دانایی حرکت می‌کند، شهروندان چنین جامعه‌ای به کارآمدی‌های خاصی نیاز خواهند داشت؛ به گونه‌ای که آن‌ها خود از طریق فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، دانستی‌های اساسی‌شان را عمق ببخشند و نسبت به گردآوری و استفاده کارآمد از آن‌ها مبادرت ورزند (رومیانی، ۱۳۹۴).

فیلیپ کومبز^۱ در کتاب «بحران جهانی تعلیم و تربیت» می‌گوید: «اگر قرار است تحولی در عرصه تعلیم و تربیت رخ دهد، این تحول و دگرگونی باید از مدیریت و آموزش و پرورش آغاز شود». وی دلیل اصلی مشکلات فرهنگی و تعلیم و تربیت را نوع مدیریت^۲ می‌داند (فیلیپ کومبز، ۱۹۱۵: ۱۲۴).

هرگونه مدیریت فعالیت‌های فرهنگی در جامعه، مستلزم شناخت اهداف و برنامه‌ها، شیوه‌های سازماندهی، امکانات و منابع، و نحوه کنترل و نظارت بر این گونه فعالیت‌ها است. شناخت وضعیت فعلی و بررسی نقاط ضعف و قوت و فرصت‌ها و تهدیدها گامی اساسی در زمینه مدیریت ارتقای سواد فرهنگی است. این مقاله درصدد است که با شناسایی وضعیت موجود، نقاط قوت و ضعف، و فرصت‌ها و تهدیدها به بهبود شرایط مدیریت ارتقای سواد فرهنگی کمک کند.

در این راستا پرسش اصلی پژوهش این است که «وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی آموزش و پرورش ایران چگونه است؟». پرسش‌های فرعی

1. Coomps, Philip Hall

2. Managment

پژوهش نیز عبارتند از: «نقاط قوت مدیریت ارتقای سواد فرهنگی آموزش و پرورش ایران چه مواردی هستند؟»، «نقاط ضعف مدیریت ارتقای سواد فرهنگی آموزش و پرورش ایران کدام موارد هستند؟»، «فرصت‌های مدیریت ارتقای سواد فرهنگی آموزش و پرورش ایران چه مواردی هستند؟»، «تهدیدهای مدیریت ارتقای سواد فرهنگی آموزش و پرورش ایران کدام موارد هستند؟»

۱. مبانی نظری

وضعیت موجود: وضعیت موجود شامل بررسی نقاط قوت، ضعف، فرصت، و تهدید است.

نقاط قوت: قوت، منبع توانمندی و برتری یک مؤسسه نسبت به رقبا و نیازهای بازارهایی که مؤسسه در آن‌ها کار می‌کند یا خواهد کرد. قوت، یک شایستگی متمایز است که سبب مزیت مقایسه‌ای مؤسسه در بازار می‌شود. منابع مالی، تصویر ذهنی، رهبری بازار، و روابط با خریداران و تأمین‌کنندگان، نمونه‌هایی از این موضوع هستند (پیرس و رابینسون، ۱۳۷۶: ۳۰۸).

نقاط ضعف: ضعف به معنای محدودیت یا کمبود در منابع، مهارت‌ها، و توانایی‌هایی است که مانع عملکرد اثربخش می‌شود. این ضعف ممکن است در تجهیزات، منابع مالی، توانایی‌های مدیریتی، مهارت‌های بازاریابی، و تصویر ذهنی نمود پیدا کند (پیرس، رابینسون، ۱۳۷۶: ۳۰۷).

فرصت: فرصت، یک موقعیت مطلوب، عمدتاً در محیط سازمان و نهاد، است. روندهای کلیدی یکی از منابع فرصت به‌شمار می‌آیند. شناخت یک بخش از بازار که پیش‌ازاین فراموش شده بود، تغییر در وضعیت رقابتی یا قانونی، تغییرات فن‌شناختی، و بهبود روابط با خریداران یا تأمین‌کنندگان، می‌توانند برای مؤسسه فرصت به‌شمار آیند (پیرس و رابینسون، ۱۳۷۶: ۳۰۷).

تهدید: تهدید، یک موقعیت نامطلوب، عمدتاً در محیط مؤسسه، است که مانع یا محدودیت کلیدی‌ای در موقعیت جاری یا آینده به‌شمار می‌آید. ورود یک کامپیوتر جدید، رشد کند بازار، افزایش قدرت چانه‌زنی خریداران یا تأمین‌کنندگان کلیدی، تغییرات عمده فن‌شناختی، و تغییر مقررات و قوانین می‌توانند تهدیدهای

عمده‌ای برای موفقیت آینده مؤسسه باشند (پیرس و رایبسون، ۱۳۷۶: ۳۰۷).

فرهنگ: مجموعه راهکارهای شایع موجه در یک جامعه برای رفع هرگونه نیاز واقعی یا غیرواقعی و عاملی همواره نرم‌افزاری است. به عبارت ساده‌تر، فرهنگ آن چیزی است که مردم با آن زندگی می‌کنند و از آن مردم است (تایلور، ۱۹۱۷). فرهنگ را، مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادت‌ها و هرچه فرد به‌عنوان عضوی از جامعه از جامعه خویش فرامی‌گیرد، تعریف می‌کند (همان). هر منطقه یک کشور می‌تواند فرهنگ متفاوتی با مناطق دیگر آن داشته باشد که از طریق آموزش، به نسل بعدی منتقل می‌شود، درحالی‌که ژنتیک از طریق وراثت منتقل می‌شود؛ به‌عنوان مثال، گفت‌وگو به زبان فارسی، راهکاری برای رفع نیاز به رودرو سخن گفتن و زبان چینی راهکار دیگری برای مردمانی دیگر برای رفع همین نیاز به‌شمار می‌آید.

فرهنگ شامل هنر، ادبیات، علم، آفرینش‌ها، فلسفه، و دین است. فرهنگ‌ها دارای عناصر بسیاری هستند که به‌طور آمیزه و نامیزه‌ی معنایی در جامعه شناورند و درست از میان خودآگاه و ناخودآگاه هوشیاری اجتماعی عبور می‌کنند. مردم باید برای تغییر فرهنگ خود زحمت زیادی بکشند.

سواد فرهنگی: ای‌دی‌هیرچ در سال ۱۹۹۵ در کتاب خود با عنوان «سواد فرهنگی: آنچه هر آمریکایی‌ای باید بداند»، این ایده و مفاهیم بنیادین آن را مطرح کرد. به نظر او، سواد فرهنگی، مجموعه‌ای از اطلاعات بنیادین است که هر شهروند برای پیشرفت و کامیابی خود در دنیای مدرن به آن نیاز دارد. هیرچ، سواد فرهنگی را شبکه‌ای از اطلاعات می‌داند که برای ارتباط مؤثر میان افراد، ضروری است.

منظور از سواد فرهنگی، شناخت «میدان‌های» فرهنگی مختلف (به‌تعبیر بوردیو) یا شناخت قواعد نوشته و نانوشته، گونه‌ها، گفتمان‌ها، انواع سرمایه‌ها، ارزش‌های فرهنگی موجود، زمینه‌ها، و ملزوماتی است که بر عمل انسان‌ها تأثیر می‌گذارند. این شناخت، سواد خاصی را در مورد «میدان» معینی در اختیار افراد قرار می‌دهد و به آن‌ها امکان می‌دهد که بدانند چه اتفاقاتی پیرامون آن‌ها درحال وقوع است تا بتوانند در مورد نحوه تعامل با آن میدان‌ها تصمیم بگیرند؛

یعنی بتوانند تشخیص دهند که چه رفتارها، کردارها، گونه‌ها، یا گفتمان‌هایی در شرایط خاصی مناسب یا مقتضی هستند. از آنجاکه معنا سازی با توجه به «میدان» انجام می‌شود، میزان آشنایی افراد با نظام‌های معنایی مختلف (به‌عنوان مثال، زبان بدن یا مد) و کنش‌های مرتبط با آن‌ها و همچنین، توانایی افراد در خوانش و استفاده از نظام‌های معنایی گوناگون، میزان برخورداری آنان از سواد فرهنگی را مشخص می‌کند (مصطفی جعفری و همکاران، ۱۳۹۳).

پولستین (۲۰۰۹) بر این نظر است که سواد فرهنگی، به معنای کسب صلاحیت فرهنگی می‌شود، اما باید به توانایی واکنش مناسب و تغییرات ضروری در فرهنگ خود شخص نیز توجه داشته باشد. همچنین، سواد فرهنگی در بردارنده توانایی تحلیل جدی رفتارهای فرهنگ‌های مسلط در روابط با فرهنگ‌های دیگر است که به‌عنوان مثال، تأثیر جهانی سازی یا مشارکت بینا فرهنگی بر فرهنگ‌های محلی سراسر جهان را دربر می‌گیرد. چهار مهارت سواد فرهنگی عبارتند از:

● آگاهی بینا فرهنگی؛

● آگاهی فرهنگی محلی؛

● مهارت تفکر و تأمل منتقدانه؛

● مهارت‌های شخصی رویارویی با عامل تغییر.

مدیریت: مدیریت، فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و براساس نظام ارزشی مورد قبول انجام می‌شود (هارولد کونتز و همکاران، ۱۳۸۰).

مدیریت فرهنگی: مدیریت فرهنگی به معنای مدیریت در عرصه فرهنگ است. به عبارت روشن‌تر، منظور علم و هنر به‌کارگیری منابع و نیروها از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع، هدایت، و کنترل آن‌ها برای دستیابی به اهداف تعیین شده در عرصه فرهنگ (عقاید، باورها، ارزش‌ها، و هنجارهای مشترک در جامعه و محصولات هنری) است (صالحی امیری و همکاران، ۱۳۸۷).

ارتقا: به معنای کمک یا تشویق به ایجاد یا شکوفایی بیشتر هر امری مانند

ارتقای صلح جهانی است.

۲. پیشینه پژوهش

نخستین بار هیرش، در سال ۱۹۸۲، مفهوم سواد فرهنگی را مطرح و تعریف کرد (هیرش، ۱۹۸۲). وی در کتاب معروف خود با عنوان «سواد فرهنگی: آنچه هر آمریکایی ای باید بداند» استدلال کرد که سواد فرهنگی در جامعه آمریکا، دربردارنده شناخت کافی از ۵۰۰۰ موضوع مختلف است که یکی از آنها شناخت امام خمینی (ره)، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، بود.

دانای طوسی و کیامنش (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «رویکردهای نظری زیربنای تعریف سواد»، بر مبنای شواهدی از برنامه درسی کشورهای آمریکا، کانادا، انگلستان، و... بر این نظر است که سواد را باید از چشم‌انداز بسیار گسترده‌ای نگریست و درک کرد، زیرا آنچه در یک بافت فرهنگی-اجتماعی، سواد به‌شمار می‌آید، ممکن است در بافت فرهنگی-اجتماعی دیگر، این‌گونه نباشد.

صادقی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش «رابطه سواد فرهنگی و ملیت مترجم»، با نگاهی به تشخیص و ترجمه تلمیح، هدف خود از نگارش این پژوهش را تأکید بر سواد فرهنگی و لزوم برگزاری دوره‌های کسب این قابلیت در بافتار دانشگاهی کشور عنوان کرده‌اند. طبقه‌بندی تلمیحات فارسی (شمیسا، ۱۹۷۸)، طبقه بندی اطلاعات لازم و اطلاعات دردسترس (گات، ۲۰۰۶)، الگوی تشخیص و فعال‌سازی تلمیح (بن‌پورات، ۱۹۷۸)، و نظریه سواد فرهنگی (هرش، ۱۹۸۷) چارچوب نظری این تحقیق را تشکیل داده‌اند. نویسندگان درنهایت، این‌گونه نتیجه‌گیری کرده‌اند که سواد فرهنگی، قابلیت اکتسابی و قابل‌آموزش است که مترجمان هر زبان، فارغ از ملیت و فرهنگ خود می‌توانند از طریق روند آگاهانه یادگیری به آن دست یابند و پیشنهاد کرده‌اند که پژوهش مشابهی در مورد ترجمه‌های ترجمه‌آموزان ایرانی و غیرایرانی انجام شود.

جعفری و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تأثیر سواد فرهنگی بر توسعه توریسم فرهنگی» به بررسی و تعریف گردشگری فرهنگی، فواید، و

راهکارهای توسعه گردشگری فرهنگی بر پایه سواد فرهنگی پرداخته‌اند و بر این نظرند که هرچقدر سواد فرهنگی افراد جامعه افزایش می‌یابد، فرهنگ گردشگری توسعه پیدا می‌کند و نتایج نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در راستای افزایش سواد فرهنگی هنری موجب توسعه ابعاد مختلف گردشگری فرهنگی خواهد شد.

رومیانی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش «تأثیر سواد فرهنگی بر جامعه دانایی محور» در پی بررسی نقش سواد فرهنگی بر جامعه مبتنی بر دانایی بوده‌اند؛ بنابراین، پرسش اصلی پژوهش آن‌ها این است که سواد فرهنگی چه نقشی را در جامعه مبتنی بر دانایی ایفا می‌کند. سواد، شالوده آگاهی‌ها و تفکر انسان‌ها است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دستیابی به اهداف توسعه‌ای کشور، مستلزم پرورش شهروندانی است که از سواد فرهنگی مفید و کافی برخوردار باشند. در دنیای درحال تحول امروز، سواد فرهنگی به معنای تسامح، تساهل، و مدارای بیشتر، درک و گفت‌وگوی آزاد بین هویت‌های اجتماعی، قومی، و مذهبی مختلف، و احترام به عقاید دیگران و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی است. افزون بر این، اگر بپذیریم که جامعه ایرانی، همانند بسیاری از جوامع دیگر، به سوی تبدیل شدن به یک جامعه مبتنی بر دانایی حرکت می‌کند، شهروندان چنین جامعه‌ای به توانمندی‌های خاصی نیاز خواهند داشت؛ به گونه‌ای که خودشان، از طریق فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، دانستنی‌های اساسی خود را عمق ببخشند و برای گردآوری و استفاده کارآمد از آن‌ها اقدام کنند. به این ترتیب، یافته‌ها نشان می‌دهد که سواد فرهنگی به توانمندی‌های ارتباطی نیز اطلاق می‌شود؛ بنابراین، سواد فرهنگی، همانند مفاهیم مکمل آن، یعنی سواد رسانه‌ای، سواد دیجیتال، سواد رایانه‌ای، سواد اطلاعاتی، و سواد سمعی و بصری، زیربنای اصلی جامعه مبتنی بر دانایی به شمار می‌آید.

هوشمند وزیری و الوانی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تأثیر موزه‌ها بر سواد فرهنگی در ایران (مطالعه موردی غار موزه وزیری)» بر این نظرند که در گذشته، استقبال از موزه‌ها بسیار اندک بود و تنها قشر خاصی از این مکان‌ها بازدید می‌کردند، اما پیشرفت علم و فناوری در عصر حاضر و بالا رفتن بینش فرهنگی

افراد، موجب شده است که به تدریج نقش آن‌ها در جامعه پررنگ‌تر شود. از آنجاکه انسان، موجودی فرهنگی است، بازدید از موزه‌ها بر افزایش علم و دانش، یا به عبارتی، سواد فرهنگی او مؤثر است. موزه‌ها از جمله مراکز مهم آموزشی در جامعه به شمار می‌آیند. براین اساس، فرض پژوهش مبنی بر تأثیر موزه بر سواد فرهنگی، تأثیر معناداری دارد.

رضایی (۱۳۹۵) در پژوهش «نقش به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در ارتقای سواد زیست‌محیطی و تدوین الگوی مطلوب برای آموزش‌های زیست‌محیطی» بر این نظر است که الگوی مطلوب برای آموزش‌های محیط‌زیستی از طریق آزمون آماری چارچوب نظری پژوهش در قالب یک الگوی تبیینی، ارائه شده است. براساس نتایج پژوهش در زمینه اولویت‌بندی فناوری‌های مورد مطالعه برپایه معناداری کاربرد و اندازه اثر آن‌ها، در بعد آگاهی از ابعاد سواد محیط‌زیستی به ترتیب، پست الکترونیک، تلگرام، وبلاگ، اینستاگرام، تلویزیون، و رادیو، در بعد نگرش، به ترتیب اینستاگرام، پست الکترونیک، تلگرام، تلویزیون، و رادیو و در بعد رفتار، به ترتیب فناوری‌های اینستاگرام، تلگرام، و رادیو اولویت داشته‌اند. همچنین روی هم رفته، کاربرد فاوا به ترتیب حدود ۱۴، ۱۳ و ۸ درصد واریانس آگاهی، نگرش، و رفتار محیط‌زیستی دانشجویان را تبیین کرده است؛ بنابراین، در بعد آگاهی محیط‌زیستی، به ترتیب رسانه‌های اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، و رسانه‌های ارتباطی مبتنی بر فاوا، اولویت داشته‌اند. در بعد نگرش، به ترتیب، شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های اجتماعی، و رسانه‌های ارتباطی، و در بعد رفتار محیط‌زیستی نیز شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های اجتماعی، و رسانه‌های ارتباطی از اولویت برخوردار شده‌اند.

سبطی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «ارائه الگوی برنامه‌سازی تلویزیون با رویکرد افزایش سواد فرهنگی مخاطبان» بر این نظر بوده‌اند که سواد فرهنگی، در بردارنده چهار مهارت آگاهی بینا فرهنگی، آگاهی فرهنگی محلی، مهارت تفکر و تأمل منتقدانه، و مهارت‌های شخصی رویارویی با عامل تغییر است. صباغ اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیق «بررسی مؤلفه‌های سواد

فرهنگی و ارائه راهکار جهت استقرار آن در نظام آموزش و پرورش»، از میان بیش از شانزده مؤلفه اصلی سواد فرهنگی، ده مؤلفه را شناسایی کرده‌اند. آنان پس از تعیین، و تبیین رسالت، و نقش و کارکرد آن‌ها در نظام آموزش و پرورش، راهکارهایی همچون تدوین «ماتریس سواد فرهنگی»، «گفتمان‌شناسی سواد فرهنگی» و طراحی «بانک اطلاعات سواد فرهنگی» ارائه کرده‌اند.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش، به منظور بررسی و ارزیابی وضعیت موجود، پس از مطالعه کتابخانه‌ای و مصاحبه با متخصصان امر تعلیم و تربیت و مدیریت فرهنگی، پرسش‌نامه‌هایی تهیه، و با توزیع آن‌ها بین استادان تعلیم و تربیت و مدیریت فرهنگی، اطلاعات لازم گردآوری شد.

پس از مطالعه کتاب‌ها و اسناد و منابع مختلف در مورد نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها، و تهدیدهای حاکم بر مدیریت ارتقای سواد فرهنگی، ۳۳ مورد مشخص شد که به صورت یک پرسش‌نامه با طیف استاندارد پنج‌تایی لیکرت آماده و پس از تأیید متخصصان فن و تعیین آلفای کرونباخ $0/75$ ، بین ۳۰ نفر از مدیران حوزه اجرایی، حوزه میانی، و حوزه ستادی توزیع شد؛ ۲۷ مورد از این پرسش‌نامه‌ها بازگشت که مشخصات پاسخ‌دهندگان آن‌ها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مشخصات پاسخ‌دهندگان

توزیع جنسیت	مرد	۴۲ درصد	زن	۵۸ درصد
تحصیلات	دکتری	۴ درصد	فوق لیسانس	۶۴ درصد
محل کار	حوزه ستادی	۳۳ درصد	حوزه میانی	۴۱ درصد
سابقه کار	بالای ۳۰ سال	۱۲ درصد	۲۰-۳۰ سال	۶۸ درصد
			۱۰-۲۰ سال	۱۶ درصد
			زیر ۱۰ سال	۴ درصد

برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Minitab 16 و آزمون T میانگین مستقل استفاده شده است.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

نتایج حاصل از تحلیل ۳۳ پرسش‌نامه توزیع شده در قالب نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها، و تهدیدها به تفکیک در جدول‌های زیر ارائه شده‌اند.

جدول ۲. نقاط ضعف

شماره	عنوان	میانگین	انحراف استاندارد	خطای میانگین	کران پایین	کران بالا	آزمون T	ضریب معناداری
۱	عدم استقبال منابع انسانی نخبه، خلاق، و مبتکر از جذب شدن در آموزش و پرورش	۴/۱۷۴	۱/۱۵۴	۰/۲۴۱	۳/۶۷۵	۴/۶۷۳	۴/۸۸	۰
۶	تأثیرپذیری برنامه‌های درسی و آموزشی از جریان‌های سیاسی	۳/۳۳۳	۱/۲۰۴	۰/۲۴۶	۲/۸۲۵	۳/۸۴۲	۱/۳۶	۰/۱۸۸
۷	عدم نگرش به آموزش و پرورش به‌عنوان نهاد تشکیل‌دهنده سرمایه انسانی و اجتماعی	۴/۱۲	۱/۰۵۴	۰/۲۱۱	۳/۶۸۵	۴/۵۵۵	۵/۳۲	۰

پرسش ۱ و ۷ از دید مخاطبان، دارای ضریب معناداری کمتر از ۰/۰۵ و میانگین بالاتر از ۳ بوده‌اند؛ بنابراین، فرضیه صفر قابل تأیید بوده و از دید مخاطبان، این موارد، وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی دانش‌آموزان را نشان می‌دهند.

پرسش ۶ از دید مخاطبان، دارای میانگین بالاتر از ۳ و ضریب معناداری بیشتر از ۰/۰۵ بوده است؛ بنابراین، فرضیه صفر قابل تأیید نبوده و از دید مخاطبان، این موارد، وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی دانش‌آموزان را نشان نمی‌دهند.

جدول ۳. نقاط قوت

شماره	عنوان	میانگین	انحراف استاندارد	خطای میانگین	کران پایین	کران بالا	آزمون T	ضریب معناداری
۴	تلاش برای نهادینه کردن بخشی از الگوهای رفتاری و فرهنگی در نسل جدید	۳/۷۶	۱/۰۱۲	۰/۲۰۲	۳/۳۴۲	۴/۱۷۸	۳/۷۶	۰/۰۰۱
۸	افزایش تمایل خانواده‌ها به داشتن نقش فعال در آموزش و پرورش فرزندان	۳/۸۸	۱/۲۰۱	۰/۲۴	۳/۳۸۴	۴/۳۷۶	۳/۶۶	۰/۰۰۱
۹	وجود مراکز و رشته‌های تخصصی مرتبط با نیازهای آموزش و پرورش، خارج از نظام آموزش و پرورش	۳/۷۶	۱/۱۶۵	۰/۲۳۳	۳/۲۷۹	۴/۲۴۱	۳/۲۶	۰/۰۰۳
۱۰	رشد فرهنگ اجتماعی و افزایش مطالبات از آموزش و پرورش	۴	۰/۹۵۳	۰/۱۹۹	۳/۵۸۸	۴/۴۱۲	۵/۰۳	۰
۱۱	وجود پیوست فرهنگی و مهندسی فرهنگی در تهیه برنامه‌های آموزشی و درسی	۳/۲۴	۱/۲۳۴	۰/۲۴۷	۲/۷۳۱	۳/۷۴۹	۰/۹۷	۰/۳۴۱
۱۴	گسترش فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات؛	۴/۰۸	۰/۸۶۲	۰/۱۷۲	۳/۷۲۴	۴/۴۳۶	۶/۲۶	۰
۱۵	سند برنامه درسی ملی	۳/۲۸	۱/۳۳۹	۰/۲۶۸	۲/۷۲۷	۳/۸۳۳	۱/۰۵	۰/۳۰۶
۱۶	سند ملی آموزش و پرورش (سند تحول بنیادین)	۳/۴۴	۱/۱۹۳	۰/۲۳۹	۲/۹۴۸	۳/۹۳۲	۱/۸۴	۰/۰۷۸
۱۷	حرکت به سوی سامان‌دهی نیروی انسانی متناسب با صلاحیت‌های حرفه‌ای و تخصصی	۳/۷۶	۱/۰۵۲	۰/۲۱	۳/۳۲۶	۴/۱۹۴	۳/۶۱	۰/۰۰۱
۲۵	فراوانی چهره‌های فرهنگی در میان نخبگان سیاسی	۳/۲۱۷	۱/۲۰۴	۰/۲۵۱	۲/۶۹۷	۳/۷۳۸	۰/۸۷	۰/۳۹۶

پرسش‌های ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴، و ۱۷ از دید مخاطبان، دارای ضریب معناداری کمتر از ۰/۰۵ و میانگین بالاتر از ۳ هستند؛ بنابراین، فرضیه صفر، قابل تأیید بوده و از دید مخاطبان، وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی دانش‌آموزان را نشان می‌دهند.

پرسش‌های ۱۱، ۱۵، ۱۶، و ۲۵ از دید مخاطبان، دارای میانگین بالاتر از ۳ هستند، اما ضریب معناداری آن‌ها بیشتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین، فرضیه صفر

قابل تأیید نبوده و این موارد از دید مخاطبان، وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی دانش‌آموزان را نشان نمی‌دهند.

جدول ۴. فرصت‌ها

شماره	عنوان	میانگین	انحراف استاندارد	خطای میانگین	کران پایین	کران بالا	آزمون T	ضریب معناداری
۱۲	جوان بودن جمعیت کشور	۳/۷۲	۰/۹۸	۰/۱۹۶	۳/۳۱۶	۴/۱۳۴	۳/۶۷	۰/۰۰۱
۱۳	برنامه‌ریزی برای جلوگیری از فرار مغزها	۳/۴۴	۱/۴۴۶	۰/۲۸۹	۲/۸۴۳	۴/۰۳۷	۱/۵۲	۰/۱۴۱
۱۸	وجود بسترها و زمینه‌های لازم برای استفاده از مشارکت بخش غیردولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد	۳/۵۲	۱/۰۰۵	۰/۲۰۱	۳/۱۰۵	۳/۹۳۵	۲/۵۹	۰/۰۱۶
۱۹	تراکم قابلیت‌های اشتراک‌ساز مذهبی، قومی، نژادی، و گویشی در چند افق جغرافیایی و ملی	۳/۴۱۷	۰/۸۳	۰/۱۶۹	۳/۰۶۶	۳/۷۶۷	۲/۴۶	۰/۰۲۲
۲۰	سابقهٔ دوستی و همزیستی دیرینه اقوام و ادیان ایرانی در چارچوب مرزهای ملی	۳/۴۱۷	۰/۸۸۱	۰/۱۸	۳/۰۴۵	۳/۷۸۸	۲/۳۲	۰/۰۳
۲۱	امکان بهره‌مندی از رسانه‌های مکتوب و غیرمکتوب در راستای جذب مخاطبان و اطلاع‌رسانی فرهنگی با ابزارهای مدرن	۳/۶۲۵	۱/۰۵۶	۰/۲۱۵	۳/۱۷۹	۴/۰۷۱	۲/۹	۰/۰۰۸
۲۲	حضور قابل توجه صداوسیما در قریب به اتفاق اسکان جمعیتی (بالاتر از ۸۰ درصد)	۳/۶۵۲	۱/۱۹۱	۰/۲۴۸	۳/۱۳۷	۴/۱۶۷	۲/۶۳	۰/۰۱۵
۲۴	قابلیت‌های بازتولید هویت فرهنگی، تعصب خانوادگی در کشور	۳/۰۴۲	۱/۱۹۷	۰/۲۴۴	۲/۵۳۶	۳/۵۴۷	۰/۱۷	۰/۸۶۶

پرسش‌های ۱۲، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، و ۲۲ از دید مخاطبان، دارای ضریب معناداری کمتر از ۰/۰۵ و میانگین بالاتر از ۳ هستند؛ بنابراین، فرضیه صفر قابل تأیید بوده و از دید مخاطبان، وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی دانش‌آموزان را نشان می‌دهند.

پرسش‌های ۱۳ و ۲۴، از دید مخاطبان، دارای میانگین بالاتر از ۳ هستند، اما ضریب معناداری آن‌ها بیشتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین، فرضیه صفر، قابل تأیید نبوده و این موارد از دید مخاطبان، وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی

دانش‌آموزان را نشان نمی‌دهند.

جدول ۵. تهدید

شماره	میانگین	انحراف استاندارد	خطای میانگین	کران پایین	کران بالا	آزمون T	ضریب معناداری
۲	۳/۷۲	۰/۹۸	۰/۱۹۶	۳/۳۱۶	۴/۱۲۴	۳/۶۷	۰/۰۰۱
۳	۳/۶۶۷	۱/۱۲۹	۰/۲۳۱	۳/۱۹۰	۴/۱۴۴	۲/۸۹	۰/۰۰۸
۵	۳/۷۹۲	۱/۰۲۱	۰/۲۰۸	۳/۳۶۱	۴/۲۲۳	۳/۸	۰/۰۰۱
۲۳	۳/۲۹۲	۱/۳۰۱	۰/۲۶۶	۲/۷۴۲	۳/۸۴۱	۱/۱	۰/۲۸۴
۲۶	۳/۵۸۳	۱/۰۶	۰/۲۱۶	۳/۱۳۶	۴/۰۳۱	۲/۷	۰/۰۱۳
۲۷	۴	۱/۰۶۹	۰/۲۲۸	۳/۵۲۶	۴/۴۷۴	۴/۳۹	۰
۲۸	۳/۸۷	۰/۹۶۸	۰/۲۰۲	۳/۴۵۱	۴/۲۸۸	۴/۳۱	۰
۲۹	۳/۵۴۲	۱/۳۱۸	۰/۲۶۹	۲/۹۸۵	۴/۰۹۸	۲/۰۱	۰/۰۵۶
۳۰	۳/۷۹۲	۱/۱۰۳	۰/۲۲۵	۳/۳۲۶	۴/۲۵۷	۳/۵۲	۰/۰۰۲
۳۱	۳/۹۵۸	۰/۸۰۶	۰/۱۶۵	۳/۶۱۸	۴/۲۹۹	۵/۸۲	۰
۳۲	۳/۶۶۷	۰/۹۱۷	۰/۱۸۷	۳/۲۸۰	۴/۰۵۴	۳/۵۶	۰/۰۰۲
۳۳	۳/۷۹۲	۱/۰۲۱	۰/۲۰۸	۳/۳۶۱	۴/۲۲۳	۳/۸	۰/۰۰۱

پرسش‌های ۲، ۳، ۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲، و ۳۳ از دید مخاطبان، دارای ضریب معناداری کمتر از ۰/۰۵ و میانگین بالاتر از ۳ بوده‌اند؛ بنابراین، فرضیه صفر قابل تأیید بوده و از دید مخاطبان، وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی دانش‌آموزان را نشان می‌دهند.

پرسش‌های ۲۳ و ۲۹ از دید مخاطبان، دارای میانگین بالاتر از ۳ هستند، اما ضریب معناداری آن‌ها بیشتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین، فرضیه صفر قابل تأیید نبوده و این موارد از دید مخاطبان، وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی دانش‌آموزان را نشان نمی‌دهند.

نتیجه‌گیری

براساس تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدیدهای شناسایی شده توسط مخاطبان به شرح زیر است.

نقاط قوت عبارتند از:

- گسترش فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات (در حوزه آموزش و پرورش)؛

- رشد فرهنگ اجتماعی و افزایش مطالبات از آموزش و پرورش؛

- افزایش تمایل خانواده‌ها به داشتن نقش فعال در آموزش و پرورش فرزندان؛

- وجود مراکز و رشته‌های تخصصی مرتبط با نیازهای آموزش و پرورش،

خارج از نظام آموزش و پرورش؛

- حرکت به سوی سامان‌دهی نیروی انسانی، متناسب با صلاحیت‌های

حرفه‌ای و تخصصی (در حوزه آموزش و پرورش)؛

- تلاش در راستای نهادینه کردن بخشی از الگوهای رفتاری و فرهنگی برای

نسل نو.

نقاط ضعف عبارتند از:

- عدم استقبال منابع انسانی نخبه، خلاق، و مبتکر از جذب شدن در

آموزش و پرورش؛

- عدم نگرش به آموزش و پرورش به‌عنوان نهاد تشکیل‌دهنده سرمایه انسانی

و اجتماعی؛

فرصت‌ها عبارتند از:

- جوان بودن جمعیت کشور؛
- حضور قابل توجه صداوسیما در قریب به اتفاق اسکان جمعیتی (بالتر از ۸۰ درصد)؛
- امکان بهره‌مندی از رسانه‌های مکتوب و غیرمکتوب در راستای جذب مخاطبان و اطلاع‌رسانی فرهنگی با ابزارهای مدرن؛
- وجود بسترها و زمینه‌های لازم برای بهره‌گیری از مشارکت بخش غیردولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد؛
- سابقه دوستی و همزیستی دیرینه اقوام و ادیان ایرانی در قالب مرزهای ملی؛
- تراکم قابلیت‌های اشتراک‌ساز مذهبی، قومی، نژادی، و گویشی در چند افق جغرافیایی و ملی.

تهدیدها عبارتند از:

- تبدیل شدن فرهنگ‌سازان به سیاست‌بازان؛
- بی‌توجهی به اصل نشاط و پویایی در نهادینه‌سازی فرهنگی؛
- افت شدید اعتبار گروه‌های مرجع فرهنگی و ارزشی در کشور؛
- مصرف‌گرایی مفرط فرهنگ غیرخودی؛
- عدم انطباق تقاضاهای فرهنگی با امکانات و تمهیدات فرهنگی؛
- فقدان توانایی در معرفی و تبلیغ الگوهای مناسب و شایسته فرهنگی برای نسل نو؛
- فراهم بودن شرایط و فضای حضور و بروز چالش‌زا و تنش‌برانگیز خرده‌فرهنگ‌ها و قومیت‌ها؛
- مصادره فرهنگی حوزه‌های پویایی و نشاط ملی توسط عوامل غیرخودی؛
- پرهزینه‌سازی فعالیت فرهنگی در عرصه فعالیت‌های اجتماعی؛
- کاهش تعلق به هویت دینی-ملی.

مخاطبان، از بین ۳۳ مورد مطرح شده، گزینه‌های زیر را تأیید نکرده‌اند. به عبارت روشن‌تر، این عوامل را در تعیین وضعیت موجود مدیریت ارتقای سواد فرهنگی، دخیل ندانسته‌اند. فرصت‌های حذف شده عبارتند از: برنامه‌ریزی برای جلوگیری از فرار مغزها، قابلیت‌های بازتولید هویت فرهنگی، تعصب خانوادگی، و... در کشور.

تهدیدهای حذف شده عبارتند از: ناتوانی هنجارها و ابزارهای فرهنگی در مقابله با هجوم فرهنگ بیگانه و هدایت افکار عمومی از طریق رسانه‌ها و فرهنگ‌سازی در شرایط بحرانی. نقاط قوت حذف شده عبارتند از: سند ملی آموزش و پرورش (سند تحول بنیادین)، فراوانی چهره‌های فرهنگی در میان نخبگان سیاسی، وجود پیوست فرهنگی و مهندسی فرهنگی در تهیه برنامه‌های آموزشی و درسی، و سند برنامه درسی ملی. نقاط ضعف حذف شده عبارتند از: تأثیرپذیری برنامه‌های درسی و آموزشی از جریان‌های سیاسی.

پیشنهادها

لازم است که در راستای بهینه‌سازی مدیریت ارتقای سواد فرهنگی، اقدامات زیر انجام شود:

- آشنایی بیشتر با سند ملی آموزش و پرورش (سند تحول بنیادین)؛
- عدم تأثیرپذیری برنامه‌های درسی و آموزشی از جریان‌های سیاسی؛
- توانمندسازی هنجارها و ابزارهای فرهنگی برای مقابله با هجوم فرهنگ بیگانه؛

- آموزش بیشتر سواد رسانه‌ای؛
- ترویج هویت فرهنگی، تعصب خانوادگی، و... در کشور؛
- به‌کارگیری چهره‌های فرهنگی در مناصب سیاسی؛
- تعریف پیوست فرهنگی و مهندسی فرهنگی در راستای تهیه برنامه‌های آموزشی و درسی؛

- آشنایی بیشتر مخاطبان با سند برنامه درسی ملی؛
- توجه به اصل نشاط و پویایی در نهادینه‌سازی فرهنگی؛

- اعتباربخشی به گروه‌های مرجع فرهنگی و ارزشی در کشور؛
- تولید صنایع فرهنگی باکیفیت خودی؛
- گسترش امکانات و تمهیدات فرهنگی در راستای انطباق با نیازهای فرهنگی؛
- معرفی و تبلیغ الگوهای مناسب و شایسته فرهنگی برای نسل نو؛
- جلوگیری از ایجاد فضای حضور و بروز چالش‌زا و تنش‌برانگیز خرده‌فرهنگ‌ها و قومیت‌ها؛
- ایجاد فضاهای بانشاط فرهنگی؛
- کاهش هزینه‌های فعالیت فرهنگی؛
- تقویت هویت دینی-ملی؛
- ایجاد جذابیت برای منابع انسانی نخبه، خلاق، و مبتکر به منظور جذب آن‌ها در آموزش و پرورش؛
- تقویت نگرش به آموزش و پرورش به عنوان نهاد تشکیل‌دهنده سرمایه انسانی و اجتماعی؛
- تقویت باورپذیری مدیران در زمینه توانمندی‌های ارتقای سواد فرهنگی؛
- تربیت مدیران آشنا به حوزه فرهنگ و سواد فرهنگی؛
- تخصیص اعتبارات کافی؛
- ثبات مدیریت در حوزه فرهنگ؛
- کاهش بوروکراسی؛
- تألیف کتاب‌های درسی و محتوای آموزشی در راستای ارتقای سواد فرهنگی دانش‌آموزان؛
- تقویت دولت برای ارتقای سواد فرهنگی شهروندان؛
- تقویت نظام برنامه‌ریزی فرهنگی؛
- تربیت معلمان آشنا با حوزه فرهنگ و سواد فرهنگی؛
- آگاه‌سازی خانواده‌ها در مورد سواد فرهنگی و مؤلفه‌های آن.

منابع

- صباغ اسماعیلی، رعنا؛ فرمehنی فراهانی، محسن؛ بخشی، حامد (۱۳۹۵)، «بررسی مؤلفه‌های سواد فرهنگی و ارائه راهکار جهت استقرار آن در نظام آموزش و پرورش»، دومین کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران، تهران.
- رومیانی، فاطمه (۱۳۹۴)، «تأثیر سواد فرهنگی بر جامعه دانایی محور»، کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی ایران، تهران.
- کومبز، فیلیپ (۱۹۱۵)، بحران جهانی تعلیم و تربیت، ترجمه حسن صفاری و کوب صفاری، ص ۲۴.
- پیرس، جان؛ رابینسون، ریچارد (۱۳۹۵)، برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک، ترجمه سهراب خلیلی شورینی، تهران: انتشارات یادواره کتاب، ص ۲۶۱.
- حبیبی، زهرا؛ پورشافعی، هادی (۱۳۹۴)، «فرهنگ آموزش و یادگیری»، دومین کنفرانس بین‌المللی آینده‌پژوهی، مدیریت، و توسعه اقتصادی، دانشگاه تربت حیدریه.
- جعفری، مصطفی؛ رئیس میرزایی، نرگس (۱۳۹۳)، «تأثیر سواد فرهنگی بر توسعه توریسم فرهنگی»، دومین همایش ملی مهندسی صنایع و مدیریت پایدار، اصفهان.
- کونتز، هارولد و همکاران (۱۳۸۰)، اصول مدیریت، ترجمه محمدهادی چمران، چاپ سوم، تهران: مؤسسه انتشارات علمی، ص ۱۳۵.
- باهنو، ناصر؛ چابکی، رامین (۱۳۹۳)، «تحلیل سواد رسانه‌ای براساس مدل EC؛ مورد مطالعه: سیاست‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی»، فصلنامه مطالعات فرهنگارتباطات، ۱۵ (۲۸).
- صالحی امیری، رضا؛ کاووسی، اسماعیل (۱۳۸۷)، فرهنگ و مدیریت سازمان‌های فرهنگی، انتشارات ققنوس، تهران، ص ۱۸۷.
- صالحی امیری، سیدرضا؛ عظیمی دولت‌آبادی، امیر (۱۳۸۷)، مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، انتشارات ققنوس.
- دانای طوسی، مریم؛ کیامنش، علیرضا (۱۳۸۸)، رویکردهای زیربنای تعریف سواد. مجله نوآوری‌های آموزشی، دوره ۸، شماره ۳۱
- صادقی، الهام؛ تجویدی، غلامرضا؛ ملانظر، حسین (۱۳۸۹)، «رابطه سواد فرهنگی و ملیت

مترجم؛ با نگاهی به تشخیص و ترجمه تلمیح»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. هوشمند وزیری، رکسانا؛ الوانی، سیدمهدی (۱۳۹۴)، «تأثیر موزه‌ها بر سواد فرهنگی در ایران (مطالعه موردی غارموزه وزیری)»، اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی، ساری.

رضایی، مهدیه؛ شبیری، سید محمد (۱۳۹۵)، رابطه میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (با تاکید بر اینترنت) با سواد زیست محیطی دانشجویان، مجله آموزش و توسعه پایدار، شماره ۴

Hirsch, E.D. (1987), *Cultural Literacy-What Every American Needs to Know*, Houghton Mifflin Company, Boston.

Hirsch, E.D. (1989), *A First Dictionary of Cultural Literacy*, Houghton Mifflin Company, Boston.

Schultz, Fred. (2001), *Notable Selections in Education*, McGraw-Hill/Dushkin, Connecticut.

Majzub, R. M., Hashim, S., & Elis Johannes, H. S. (2011), "Cultural Awareness Among Preschool Teachers in Selangor", In: *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, Vol. 15, pp. 1573-1579.

Tylor, Edward B., *Religion in Pprimitive Culture: Researches into the Development of Mythology, Philosophy, Religion, Language, Art and Custom*, Kessinger Publishing, 2007.